



جهان ایرانی

cp@Jameefarda.com

معرفا

● عکس: جامعه فردا

میراث ۹۰ ساله

جمعه فردا: دانشگاه دهلی هند (University of Delhi) در سال ۱۹۲۲ تأسیس شد. با تأسیس آن، گروه زبان فارسی (Department of Persian) نیز راه‌اندازی شد. گرچه این رشته از زمان تأسیس این دانشگاه در آن فعالیت می‌کند، تا سال ۱۹۵۷، زبان فارسی، بخشی از بخش‌های ترکیبی عربی، فارسی و اردو بود. اما در این سال، اداره راه‌دو به‌عنوان یک نهاد مستقل تأسیس شد. بعداً گروه‌های باقیمانده نیز در سال ۱۹۷۸ به بخش‌های جداگانه عربی و فارسی تقسیم شدند. گفتنی است در حال حاضر، جز فارسی، عربی و اردو، زبان‌های انگلیسی، بنگالی، پنجابی، سانسکریت و تامل هر یک مستقل و زبان‌های فرانسوی، آلمانی، اسپانیایی و ایتالیایی به شکل مجتمع در یک گروه، در این دانشگاه تدریس می‌شود.

با استقرار گروه فارسی در دانشکده هنر دانشگاه و با پیوستن دکتر سید آصف حسین عبیدی(Sayed Asif Husain Abidi)، طعم و مفهوم فعالیت‌های پژوهشی و ادبی تاریخ ادبیات فارسی در هند تدوین و تهیه کرده است. با در نظر داشتن این طرح، موضوعات مربوط به دوره‌های خاصی را به محققان PhD اختصاص داده است. این مسئله از رضایت بسیار برخوردار است که این بخش تاحدودی در مأموریت خود موفق بوده است و امروزه این نهاد دارای بیش از ۵۰ فارغ‌التحصیل دکتری خود است.

پس از معرفی دوره M.Phil در دانشگاه، حدود ۲۶ پایان‌نامه نیز در مورد موضوعات مهم تکمیل شده است. فعالیت‌های ادبی و علمی این نهاد صرفاً از آموزش و یادگیری زبان و ادبیات فارسی محدود نمی‌شود. برای تبادل نظر، جلسات دوره‌ای و جلسات آکادمی‌های برجسته مرتب شده‌اند. این گروه یک‌بار در هفته به نفع دانشجویان یک سمینار انجام می‌دهد. جدا از این، اداره کل همچنین سمینارها، کنفرانس‌ها و کارگاه‌های آموزشی را برگزار می‌کند که فرصتی عالی برای به اشتراک گذاشتن دیدگاه‌ها با دانش‌پژوهان مختلف فراهم می‌کند.

اکتو، عالم اشرف‌خان (Aaleem Ashraf Khan) مدیر گروه زبان فارسی و چندر شیکهر (Chander Shekhar) و راجیندر کومار (Rajinder Kumar) به‌عنوان استاد و مهتاب جهان (Mehtab Jahan) و علی اکبر شاه (Ali Akbar Shah) در کارگاه آشنایی با نام Persian Journal دارد که هر سال یک شماره از آن منتشر می‌شود.

چندر شیکهر که در این صفحه با او گفت‌وگو شد از اساتید میزبان گروه و دارای سابقه‌ای بسیار است. اما برای آشنایی مخاطبان، از او تاکنون مقالات (تأیید بصارت (رساله‌ای در زمینه تعلیق و شیو سواخت آن از نصرت‌الله‌خان) و ویژه‌نامه فرهنگستان (شبه قاره)، سال دوم بهار و تابستان ۱۳۹۳، «هنر خطی نویسی» تحقیقات فارسی، ۲۰۰۱ و «تعلیق تفکرات مولانا روم در وعظ و ارشادات عارفانه رادها سومای» قند پارسی، ۱۳۸۶، «شاعر جهان بین مخموم قلی فراغی» قند پارسی، زمستان ۱۳۸۵ و بهار ۱۳۸۶، «تدویر در شعر حافظ» قند پارسی، زمستان ۱۳۸۰ منتشر شده است.

از همه مهم‌تر، تصحیح کتاب «مرآت‌الاصطاح» تألیف آندراج مخلص لاهوری (از رجال دربار تیموری و نویسندگان و شاعران پارسی‌گوی سده دوازدهم هجری هند دارای آثار ارزشمند و شایان توجهی در نظم و نثر) مورخ ۱۱۵۸ قمری است که به همراه یوسفدهی و حمیدرضا قلیچ‌خانی انجام پذیرفته است. این کتاب، یک فرهنگ اصطلاحات فارسی است و در حقیقت دانشنامه از‌شمندی مشتمل بر موضوعات مختلفی چون تاریخ، ادبیات، فرهنگ، گیاهشناسی، طب، مردم‌شناسی و غیره است. در این اثر واژه‌ها طبق ترتیب الفبایی حروف اول و دوم آمده‌اند. مؤلف در اکثر موارد پس از توضیح تلفظ و معنی، یک یا دو شاهد شعری یا شعری معتبر آورده است و در همان حین به نقل لطیفه‌ها، شرح حال‌ها و فایده‌ها نیز پرداخته است. این اثر ابتدا از سوی مرکز ملی نسخه خطی هند، دهلی نو در سال ۲۰۱۴ در زبان فارسی و در دو جلد چاپ و منتشر شد و در سال ۱۳۹۵، توسط انتشارات سخن در ۵۹۶ صفحه و به قیمت ۶۸ هزار تومان به طبع رسید.

گفت و گو

گفت و گو با «چندر شیکهر»؛ استاد زبان ادبیات فارسی در دانشگاه دهلی هند

در خدمت پاسداری از میراث نیاکان پارسی‌گوی



حمیدرضا محمدی

روزنامه‌نگار

همین چندر روز پیش بود که ۶۰ساله شد؛ او که شیفته زبان فارسی



آقای شیکهر! در ابتدا و برای ورود به بحث، بفرمایید که فضای خانه پدري که در آن رشد کردید چگونه بود و آن فضا چندر در جهت‌گیری ذهن شما اثر داشته است؟

بندۀ در خانوادۀ هذبنا آدمم که پیشاپیش فضای فرهنگ فارسی و هندی رواج داشت.

در چه روزی به دنیا آمدید؟

۲۹ دسامبر ۱۹۵۷ به دنیا آمدم. نزدیک به دهلی، در ایالت هاریانا (Haryana)، شهری قدیمی به نام هانسی (Hansi) وجود دارد که زادگاه بنده است و پدر مادری‌ام در آنجا زندگی می‌کرد. پدرم یک‌پوندار بود و زبان و فرهنگ رایج در منزل ما به‌ویژه زبان اردو بود. او یک شاعر و روزنامه‌نگار زبان اردو بود. شاید بدانند که زبان اردو دارای حروف فارسی و عربی است و نزدیک به ۷۰ درصد آن واژه‌های فارسی هستند. هیچ زبانی تنها به‌عنوان زبان کار نمی‌کند بلکه زبان دارای پشتوانه فرهنگی است. در ایران زبان فارسی علاوه بر آنکه میراث فرهنگ پیشین یعنی فرهنگ زرتشتی است، فرهنگ اسلامی که بیشتر واژه‌های عربی است هم بر آن علاوه شده و مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین به زبان اردو واژه‌های فارسی، عربی و ترکی که از زبان‌های دنیای اسلام است ورود کرده و حدود ۸۰۰سال حکومت پادشاهی مسلمان در هند هم همین چشمتیبه هست که بزرگانی چون منطقه‌بود وجود آورد. عناصر محلی، زبانی و فرهنگی هم در این امر دخیل بودند. این وضعیتیی بود که من در آن پرورش یافتم. البته زادگاه من مرکز صوفیه چشتی و سلسله چشمتیبه است.

حضرت نظام‌الدین اولیاء، چشتی، آجمیری چشتی، گیسودراز و… تماماً از سلسله چشتی بودند.

آیا چشتی یک فرقه صوفیه است؟

بله همه از این فرقه برخاسته و به هند آمده بودند.

چشت در کجا بود است؟

در هرات در خراسان بزرگ. بزرگ‌ترین صوفی‌ای که در آنجا بود معین‌الدین چشتی بود که در اجمیر حضور داشت و مرکز تزوقش آنجا بود. همیشۀ هانسی هم از سلسله چشمتیبه است و پدر بزرگ هم یکی از حامیان و متولیان آنجا نبود. مراکز صوفیه تنها مرتبط با اسلام نیست و حتی اگر امروز حضور پیدا کنیید خواهی‌دید که جزء کسانی هست که در زمان خود غیرمسلمان هستند. این فضا سبب شد که من زبان فارسی و اردو را آموزش ببینم و برابم مشکلی پیش نیامد زیرا پدرم به من اردو و اندکی هم فارسی آموزش می‌داد. من بیشتر فارسی را با اساتید برجسته زمان خود یاد گرفتم. بعداً از اینکه دیلم را گذراندم به دهلی آمدم. در دانشگاه دهلی، دانشکده‌ای وجود دارد که سابقاً به نام کالج شناخته می‌شد و بزرگ‌ترین مرکز شرق هند بود. در آنجا پیش از زبان فارسی، عربی و اردو، در آنجا اساتید برجسته‌ای حضور داشتند که از آنها آموزش دیدم مانند میرزا اسدالله خان غالب که برای تدریس به آنجا فرستاده‌بود و همچنین مرحوم دکتر یونس جعفری که جزء کسانی هست که در زمان خود از اساتید برجسته محسوب می‌شد و متأسفانه سال گذشته درگذشت. او شخصیت شناخته شده‌ای در حوزه علمی ایران بود و آثارش هم در اینجا منتشر شدن. من توسط او بسیار از زبان فارسی یاد گرفتم. اکثر این استادان فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های ایران مانند دانشگاه تهران و فردوسی مشهد بودند.

چه اتفاقی سبب شد شما علاقه‌مند شدید که زبان فارسی را در دانشگاه تحصیل کنید؟

پدرم تمایل داشت که زبان فارسی یاد بگیرم چون من از خانواده‌ای هستم که به آنها کاست (Caste) می‌گویند، کاستی‌ها همیشه زبان فارسی را یاد می‌گرفتند، زیرا برایشان کارایی اداری، شغرسرایی و…داشت، بنابراین تعجباً آمیز نبود که من زبان فارسی یاد بگیرم و خیلی معمولی بود. اینکه من تنها زبان فارسی یاد بگیرم و دیگران ندانند این طور نیست، زبان یک امر منطقی‌ای و منطقی به‌قوم اصلی نیست، بلکه دیگران هم اگر علاقه‌مند باشند می‌توانند آموزش ببینند و دوستان ایرانی هستند که به زبیبایی فرانسه، آلمانی و… آموزش داده‌اند و کارهای خوب

گفت و گو با «چندر شیکهر»؛ استاد زبان ادبیات فارسی در دانشگاه دهلی هند

در خدمت پاسداری از میراث نیاکان پارسی‌گوی

است. البته از عنقوان کودکی دل در گرو این زبان و ادبیاتش داشت و با آن رشد یافت اما هر چه جلوتر آمد، تعلق خاطرش افزون گشت تا آنجا برای تحصیل در دانشگاه، همین رشته را برگزید و اکنون، مرتبه‌ای دست یافته که طی سال‌های اخیر، در دو دوره سه‌ماهه،

مدیر گروه زبان فارسی را در دانشگاه دهلی هند برعهده داشته است. با چندر شیکهر (Chander Shekhar) در آخرین ساعات حضورش در ایران، در فرهنگستان زبان و ادب فارسی به بحث نشستیم که در ادامه می‌خوانید.



نگاه

استاد محبوب دانشگاه دهلی

از شناخته‌شده‌ترین پژوهشگران هندی ادبیات فارسی در سطح جهانی است و ارتباط گسترده‌ای با استادان زبان فارسی در ایران و جهان و نیز همکاری مستمری با فرهنگستان زبان و ادب فارسی ایران دارد.

او در ضمن به‌خاطر ویژگی‌های اخلاقی‌اش یکی از محبوب‌ترین استادان دانشگاه دهلی است و از

انجام دادند.

بنابراین معتقدید که اتفاقی بسیار عادی بوده‌است؟

بله، ممکن است از دیدگاه شما این‌طور نباشد، اما من زبان سانسکریت خواندم و به‌جای آن زبان فارسی یاد گرفتم، جالب این‌بود که پشتوانه زبان سانسکریت در خانواده ما نبود و پشتوانه زبان اردو بود.

چند سال است که دانشگاه دهلی در حوزه زبان فارسی کار می‌کنند؟

تا زمانی که نظام دانشگاهی آغاز شد قبل از آن هم زبان فارسی آنجا تدریس می‌شد.

از چه فرنی؟

تدریس زبان فارسی از زمانی که پادشاهان مسلمان در هند شروع به حکومت کردند، یعنی سده یازدهم و دوازدهم میلادی در جریان بود.

آنها سده شانزدهم حضور پیدا کردند. پیش از آن حکومت ترکان بود که از ترکان خراسان غزنی بودند. گورکانیان در سال ۱۵۲۶ که باظهيرالدین محمدبابر آمدند، اما قبل از آن در دهه اول قرن سیزدهم میلادی ترکان خراسان بودند. اگر از این بگذریم، من پیش از

به پایان رساندن لیسانس به ایران آمدم. در اینجا به بنیاد فرهنگ ایران آمدم.

در زمان دکتر خانلری؟

بله در سال ۱۹۷۸ که دکتر پرویز نائل خانلری ریاست بنیاد را برعهده داشت. مدتی در اینجا در دانشگاه تهران تحصیل کردم تا انقلاب اسلامی شد و سپس برگشتم و در دانشگاه دهلی ادامه تحصیل دادم.

یک‌سال ایران بودید؟

خیر، حدود ۴ ماه و حتی کمتر از آن در ایران بودم. شرایط حضور در ایران نبود و در یک شب دستور داده شد که باید به دهلی پرواز کنیم. در دهلی هم ادامه دادم چون نمی‌خواستم زبانی که در حال یادگیری آن هستم لطمه‌ای بخورد. بنابراین در دانشگاه دهلی ادامه تحصیل دادم و فوق لیسانس و پیش‌دکتر خواندم. خوشبختانه بعد از پایان پیش‌دکترآ کار استادیاری را به‌دست آوردم و از آن زمان یعنی ۱۹۸۲ در همانجا درس دادم و کارهای پژوهشی هم انجام دادم.

دکتری خود را در چه سالی گرفتید؟

سال ۱۹۹۰ و اندکی دیرتر از زمان من گرفتن. البته برای رساله دکترایم را که در باب تحلیل و تجلیل مثنویات امیر خسرو دهلوی بود جایزه بهترین رساله از جانب بنیاد فرهنگی محوی – که مرکز آن در ژنو سوئیس و دبیر آن ناصرالدین پروین بود – به من اعطا شد.

اما پیش از آن خودم رساله‌ای به انگلیسی برگردانده

بودم که در سبب وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهر دهلی بود که خوشبختانه بسیار بافغان

و امروز هم مورد استفاده محققان تاریخ است.

استاد راهنمای شما برای دکترآ چه کسی بود؟
پیش‌دکتر آ استاد مرحوم نور الحسن انصاری بود که کتاب تاریخ زبان فارسی مرحوم دکتر خانلری را به انگلیسی برگردانده است و دکترآ با استاد ممتاز مرحوم سدیدامیر حسن عابدی بود که به تشویق و ترغیب ایشان از همان زمان مشغول به کارهای پژوهشی شدم.

در حال حاضر در دانشگاه دهلی تدریس می‌کنید؟

بله بنده به‌عنوان استاد تدریس کردم و ۲ بار مدیر گروه

همراهی و مساعدت با دانشجویان اعم از هندی و غیرهندی دریغ ندارد.

دانشجویان ایرانی در حال تحصیل در هند نیز همیشه از کمک و حمایت‌های او بهره‌مند بوده‌اند. تاکنون کتاب‌ها و مقالات متعددی از او

و در ضمن به‌خاطر ویژگی‌های اخلاقی‌اش یکی از محبوب‌ترین استادان دانشگاه دهلی است و از

چاپ رسیده است.

بوده‌ام، مدیریت گروه نویی است و ۳سال در اختیار است.

سه‌سال‌هایی مدیر گروه بودید؟

مدیریت اولم از ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ و مدیریت دوم از ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶.

بنابراین تا سال گذشته مدیر گروه بودید؟

بله.

در رابطه با مضمونمقالی فراغی هم کار کردید؟

بله، او شاعر شهیر برجسته منطقه ترکمن صحرا بود و من دو بار از آرامگاهش دیدن کردم. کار خوبی که از او ماندگار ماندن این بود که در زمان احمدشاه ابدالی که متأسفانه پدر ایشان را شاه ابدالی کشت، همراه همان لشکر شاه ابدالی که به دهلی حمله کردند بود و مدتی هم در آنجا ماند و یک شعر بلند هم در باب شهر دهلی به زبان ترکی نگاشت. البته اکثر کتاب‌های او به زبان فارسی برگردانده شده و

شعرهایش چاپ شده است. من در مقاله مفصلی با عنوان «شاعر جهان بین؛ مضمونمقالی فراغی» در باب آثار و زندگی ایشان نوشتم و در قند پارسی به چاپ رسید. اما این نزدیک به ۱۰ سال پیش است.

فعالیت دیگر شما این بود که طی مقاله‌ای، انعکاس تفکرات مولانا را در وعظ و ارشادات عارفانه رادها سومای بررسی کردید.

بله، آن شعر مولانا در هند به‌نوعی ذوق و شوق در جامعه هند پدید آورد که غیرمسلمانان این مثنوی را بسیار پذیرفتند که چندین بار به زبان‌های مختلفی ترجمه شد. آنجاممکن است ز نفوذ عرفان اسلامی باشد که سبب پدید آمدن مرکزی شد که می‌شود گفت این مرکز غیرمرتبط به هیچ دینی هستند، هر کس از هر دینی می‌تواند آنجا برود و به‌عظا و سخنرانی‌هایی که آنجا می‌شود را گوش کند. چنانکه این سخنرانی‌ها بیشتر در باب ارزش‌های اخلاقی است و محتویات آن سخنرانی‌ها مبنی بر سرودها و گفته‌های عارفان تمام ادیان است، نه فقط هندو، اسلامی یا مسیحی. از حوزه اسلامی شعر مولانا، سعیدی و حافظ بیشتر غلبه دارد.

مرکزی که معرفی کردم به نام «رادها سومای ماتها» است که رادها مسلک است، سومای مرشد و ماتها مالک است. واژه رادها به‌نوعی در کنار «کریشنا» است. در این مرکز بیشتر از چندین بار مثنوی مولانا به زبان هندی و پنجابی چاپ شده است و اینکه مولانا روی سخنرانی‌های رهبران آن مسلک موثر بوده‌است که آن سخنرانی‌ها را سروده‌اند و از سروده مثنوی مولانا تجلیل کردند.

از شعرای ایرانی به‌خصوص سعیدی، حافظ، مولانا و… درباره کدام یک بین مردم هند بیشتر اقبال وجود دارد؟
این هم مرتب به‌حلقه‌ای است، اگر شما تصور کنید که مرتب به کشتی گیری است، آنجا رستم قهرمان بزرگ است و حتی در آنجا جایزه رستم داریم که کشتی‌گیران معروف جایزه رستم می‌گیرند. سعیدی از زبان قفیم در واحدهای درسی بوده است، ترجمه مثنوی هم بهترین نسخه‌ای که فرهنگستان خواستار چاپ آن شده است از عبداللطیف جگرانی که از زمان قدیم در سده ۱۵ و ۱۶ خیلی رایج بود و در خوشنویس و نسخه‌هایی در آن زمان داریم.

نظامی، عطار و خیام چطور؟

خیام خیلی زیاد است، اما نظامی را در دوره‌های پیش فقط برای کارهای هنری در نظر داشتند. اما این هم مرتب به‌حلقه‌ای است، اگر شما تصور کنید که مرتب به کشتی گیری است، آنجا رستم قهرمان بزرگ است و حتی در آنجا جایزه رستم داریم که کشتی‌گیران معروف جایزه رستم می‌گیرند. سعیدی از زبان قفیم در واحدهای درسی بوده است، ترجمه مثنوی هم بهترین نسخه‌ای که فرهنگستان خواستار چاپ آن شده است از عبداللطیف جگرانی که از زمان قدیم در سده ۱۵ و ۱۶ خیلی رایج بود و در خوشنویس و نسخه‌هایی در آن زمان داریم.

به‌عنوان یک زبان جایگاه تدریس دارد.

اگر بخواید با دورمای که شما وارد دانشگاه شدید مقایسه کنید، اکنون وضعیت بهتر است یا بدتر؟

از چند جهت خیلی بهتر است و از چند جهت هم بهتر نیست؛ بهتر به این معنا که در جاهایی که قبلاً زبان فارسی وجود نداشت و حتی جاهایی کمتر بود، امروز دارای گروه‌های تدریس زبان فارسی هستند. چندین جای‌بان فارسی در گروه تاریخ تدریس می‌شود که قبلاً وجود نداشت. اما اینکه قبلاً ما که به گروه فارسی رفته بودیم به این دلیل نبود که نمی‌توانستیم در رشته دیگری ثبت‌نام کنیم صحیح نیست. به‌عنوان مثال بنده قصد داشتیم که فوق لیسانس تاریخ بگیرم و نمرام در واحدهای تاریخ در لیسانس بسیار بالا بود، اما اکنون طوری است که اگر دانشجویی نمی‌تواند در رشته خوبی ثبت‌نام کند به زبان فارسی می‌آید و به هوشمندی آن هم یک نوعی تردید است، یعنی اگر دانشجویی هوشمند بود حتماً اگر می‌خواست به رشته دیگری می‌رفت و اینجا مجبور شده است که به زبان فارسی بیاید. این به زبان فارسی نقدی ندارد و باید بگویم که این در باب همه زبان‌هاست. زبان فارسی در ایران به‌عنوان رشته ادبیات فارسی افول می‌کند.

در هند چگونه است؟

وقتی در ایران که زادگاه فارسی‌زبانان است، وضعیت اینگونه است، در هند که زبان رسمی نیست و میدان کار به دست دوستان زیادی نیست، حتمی است که تعداد دانشجویان کم شود. در صورتی که افراد خوبی در این رشته داریم. ثانیاً به‌عنوان رشته بینارشته‌ای هم شروع شد که از آنجا تعداد دانشجویان به ۳۰۰ نفر در یک کلاس می‌رسد و حتی بسیاری می‌ایستند یا روی زمین می‌نشینند. از این جهت بسیار خوب است، اما آن برنامه‌های درسی‌ای که ما می‌خواندیم، نیست. شنیده‌ام که دانشجویانی می‌آیند که به‌طور مثال لطفاً را به جای تنوین یا نون می‌نویسند. اما باز این برمی‌گردد به اینکه دانشجویی امروز نمی‌خواهد همه چیز را با دست بنویسد بلکه همه چیز روی گوشی‌اش و کامپیوتر است و با انگشتانش تایپ می‌کند. زمانی که با قلم می‌نوشتم کل الفبای یک واژه در ذهن ما تثبیت می‌شد، اما چه کاری می‌توان کرد اگر ابزار آلات امروز برای تسریع کار است نمی‌توان مانع آن شد. دوم اینکه حجم برنامه کاری ما زیاد بود، من همراه واحدهای لیسانسی برنامه امتحانی مکاتباتی گذرانده بودم که به‌من منشی فاضل می‌گفتند. دیوان حافظ، چهار مقاله نظامی عرضی سمرقندی، گلستان سعیدی، ۸ قصیده خاقانی، ۸ قصیده انوری، داستان رستم و سهراب فردوسی، ترجمه فارسی گیتا فیضی و بخشی از اکبرنامه را یاد می‌خواندیم. امروز اگر کارشناسی ارشد و کارشناسی را جمع کنید مساوی این نیست. **تعداد دانشجویان دوره شما بیشتر از الان بود؟**

بله ما حدود ۲۰ نفر بودیم و الان گاهی ۸ یا ۱۲ یا ۶نفر هستند.

تا‌ه اینها از دانشکده دهلی است که

پایتخت هنداست؟

چه می‌شود که در، زمینه کار جدی نیست.

آیا زبان‌هایی مانند چینی، ترکی و عربی دانش بیشتری دارند؟

بازار ژاپنی یا چینی امروز گرم است، عربی خیلی مورد توجه نیست.

و چون بازار کار وجود دارد سراغ آن زبان‌ها می‌روند؟

بله. البته در دو، سه سال اخیر یکباره تعداد دانشجویان بالا رفته است و بازار آحصانات هند و ایران هم کمی گسترده‌تر شده است. چاپهار و…وقتی شروع به کار کردند.

از جوانان هندی می‌توان کسانی را پیدا کرد که به فارسی تسلط داشته باشند یا فقط متعلق به نسل قدیمی هندی‌هاست؟

خیر ما جوانان به‌طور خوبی داریم، حتی فردی هست که زبان سانسکریت و فارسی را به‌خوبی بلد است، اگر فارسی شعر حافظ را بخواند او به‌صورت منظم به شعر سانسکریت ترجمه می‌کند. اینطور نیست که شعر کنید که به‌طور کلی افول کرده است، ما دانشجویان فوق‌العاده‌ای داریم.

اما از آن بیز مردان هندی…

نیاید همیشه ضاقت‌وا راسر زبان گذشته کنیم، طبق نیازهای امروزی وضع زبان فارسی بهتر نیست. در چندین دانشگاه هند تعداد آنها در حیات علمی بسیار بالا رفت که روند مثبتی است. دانشجویان خوب و بد در همه‌جا حضور دارند. نمود گفت که تنها سال قدیم خیلی عالی بود و مثنوی خیلی خراب است، این دایره خوبی از دیدگاه امروزی نیست.

آیا از اینکه وارد حوزه زبان فارسی برای تحصیل و تدریس شده بدرانضی هستند؟

بله، نه تنها آنها هم مستم بلکه خوشحال تر هستند؛ به دلیل زبان فارسی به کشورهای اروپا، آمریکا، ایران و ۱۸ کشور سفر کردند. ممکن است اگر مهندس شده بودم زیم ز دیواری از هند بودم و خشت‌ها را می‌شمردم، بر چه زبان فارسی من از اینجاناتا جاهای دیگر برُد، من خیلی راضی هستم و اگر به‌ویژه به ایران نیامده بودم ممکن است در زبان فارسی آن نوع از موفقیت را به‌دست نیاورده بودم، بنابراین مدیون دوستان ایرانی و فرهنگستان هم هستم که سال‌هاست با اینها ارتباط دارم و در پروژه‌های دانش‌نامه زبان فارسی در شبانه‌قاره و کارهای دیگر شرکت کرده‌ام. دیروز هم برنامه‌ای برای بنده گذاشتند که از کتاب واقعه اسدبیدک قزوینی رونمایی شد.

چاپ فرهنگستان است؟

خیر سازمان خطی هند آن را چاپ کرده بود. اینها مثبت است و دولت هند به‌خوبی از این موارد حمایت می‌کند، سازمانی گذاشته‌اند که آنجا در باب متون کلاسیک به زبان‌های کلاسیک هند که مشمول زبان عربی و فارسی است از آنجا مستقیم این کنیم و به‌صورت تصحیح‌شده می‌فروشان. این سومین اثری است که از بنده از آنجا چاپ شد. نام آن سازمان نسخ خطی هنداست.

این کتاب به هندی چاپ شده است؟

خیر کتابی فارسی است.

شما آن را تصحیح کرده‌اید؟

بله، تصحیح و ترجمه به زبان انگلیسی انجام داده‌ام.